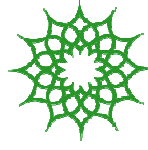


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه زبان‌شناسی همگانی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی

پردازش شناختی متن: مدل فضاهای ذهنی در بازنمایی ارجاع

استاد راهنما:

دکتر مصطفی عاصی

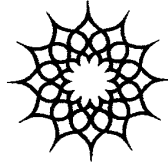
استاد مشاور:

دکتر محمد راسخ مهند

پژوهشگر:

حمید طالب

شهریور ۱۳۸۹



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۰۶/۲۹

پایان نامه تحصیلی آقای حمید طالب دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان شناسی همگانی

تحت عنوان:

پردازش شناختی متن: مدل فضاهای ذهنی در بازنمایی ارجاع

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه ^ب _ج به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر سیدمصطفی عاصی با مرتبه علمی دانشیار

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر محمد راسخ مهند با مرتبه علمی دانشیار

۳. استاد داور داخل گروه، آقای دکتر احمد صفاری مقدم با مرتبه علمی دانشیار

۴. استاد داور خارج از گروه، خانم دکتر شهین نعمت زاده با مرتبه علمی استادیار

امضا

امضا

امضا

امضا

امضای رئیس پژوهشکده

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

چکیده

بازیابی ارجاع در تمامی صورت‌های آن سنگ بنای درکی موفق از متن و محور ترسیم مدل ذهنی مناسب از آنچه در گفتار بیان شده می‌باشد. اگر دریابیم ارجاع چگونه تحلیل می‌شود، فهم دیگر بخش‌های روند درک عمومی بطور خودکار در پی خواهد آمد.

در پژوهش حاضر مدل گزاره‌ای و مدل ذهنی در تحلیل گفتار از یکدیگر متمایز می‌شوند و درباب ماهیت بازنمایی‌ها این مسئله مورد توجه قرار خواهد گرفت که مدل‌های گزاره‌ای بجای اخذ معنی از دانش خواننده از موقعیت، هر گزاره را بطور منفرد تفسیر می‌نمایند و بنابراین دارای نقص بوده و مورد انتقاد قرار گرفته‌اند اما از سویی دیگر مدل‌های ذهنی که نقشه‌ای تصویرگونه در حافظه ایجاد می‌نمایند داده‌هایی درباره‌ی موقعیت در اختیار قرار می‌دهند.

در این بررسی نمونه‌هایی از نثر روایی طبق مدل فضاهای ذهنی^۱ فوکونیه^۲ مورد تحلیل شناختی قرار می‌گیرند. بنا بر مدل فضاهای ذهنی یک جمله که در مرحله‌ای از ایجاد گفتار ظاهر می‌شود حاوی چندین عنصر اطلاعاتی است که با چندین ابزار دستوری مشخص می‌شوند این ابزارها نحوه‌ی شکل‌گیری فضاهای ذهنی جملات در شکل‌دهی به شبکه‌ای از فضاهای ذهنی را مشخص می‌کنند. شبکه‌ی فضاهای ذهنی با توصیفی که در مورد ساز و کار شکل‌گیری و دسترسی به فضاهای مختلف ذهنی ذکر خواهد شد ساختار شناختی را شکل می‌دهد. با بررسی شکل‌گیری فضاهای ذهنی، نحوه‌ی دسترسی و عبارت‌های اسمی که در مراحل مختلف وارد فضاهای ذهنی می‌شوند به تبیین نحوه‌ی پردازش عناصر ارجاعی خواهیم پرداخت.

با توجه به الگوی مطرح شده به این نتیجه می‌رسیم که خواننده در یک متن به هنگام مواجهه با عبارتی ارجاعی، به هیچ وجه جهت تفسیر به دنبال مرجع آن در متن به جستجو نمی‌پردازد بلکه در هنگام خوانش عنصر ارتباط ارجاعی، تمامی اطلاعات لازم بصورت طرحواره‌ای در ذهن خواننده مجسم می‌شود که در نتیجه و بخصوص در دنیای ایجاد شده توسط متن، این فضای ذهنی است که خوانش عناصر ارجاعی را ممکن می‌سازد. این نتیجه به کل فرایند پردازش زبان قابل تعمیم بوده تأییدی است بر این اصل در زبان‌شناسی شناختی که «زبان حاوی معنا نیست بلکه آنرا هدایت می‌کند».

¹ Mental spaces

² Fauconnier

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه و طرح مسأله

۲	۱-۱. مسأله پژوهش
۴	۲-۱. موضوع پژوهش
۶	۳-۱. قلمرو پژوهش
۶	۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	۵-۱. اهداف پژوهش
۹	۶-۱. کاربردهای پژوهش
۹	۱-۶-۱. مطالعات سبک‌شناسی برای تعیین سبک‌های مختلف متن
۱۰	۲-۶-۱. تحقیقات پردازش متن با کمک رایانه
۱۰	۳-۶-۱. عینیت بخشیدن به مطالعات شناختی با توجه به داده‌های متن‌بنیاد
۱۰	۴-۶-۱. مطالعات شناختی ساز و کار ذهن در روند خوانش متن
۱۱	۷-۱. نوع و روش پژوهش
۱۲	۸-۱. سؤالات پژوهش
۱۳	۹-۱. فرضیه‌های پژوهش
۱۳	۱۰-۱. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش
۱۴	۱۱-۱. تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش

۲۵	۱-۲. مقدمه
۲۵	۲-۲. سیر پژوهش‌های مطرح
۲۸	۳-۲. نظریه دسترس‌پذیری آریل
۳۰	۴-۲. بررسی‌های ارجاع غیر مستقیم شوارتز
۳۱	۵-۲. سلسله‌مراتب کهنگی و عناصر ارجاعی گاندل
۳۱	۶-۲. الگوریتم دانش محدود میتکف در زبان‌شناسی محاسباتی
۳۴	۷-۲. الگوریتم بازیابی مرجع عناصر ارجاعی وایب و وبر
۳۴	۸-۲. گزینش ارجاعی کیبریک
۳۶	۹-۲. بررسی‌های عوامل فعال‌سازی
۳۸	۱۰-۲. ضمائر در روایت داستانی اموت

فصل سوم: مبانی نظری

۴۱	۱-۳. مقدمه
۴۲	۲-۳. بررسی شناختی گفتار

۴۳	۱-۲-۳. تحلیل گفتمان و تحلیل شناختی گفتار
۴۴	۲-۲-۳. تحلیل گفتمان شناختی
۴۵	۱-۲-۲-۳. پردازش گفتمان در روان‌شناسی شناختی
۴۷	۲-۲-۲-۳. اهداف تحلیل شناختی
۴۸	۳-۲-۳. تحلیل روانشناختی و تحلیل شناختی گفتمان
۴۹	۳-۳. زبان‌شناسی شناختی
۵۰	۱-۳-۳. شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی
۵۱	۲-۳-۳. مفهوم‌سازی: وجه تمایز رویکرد شناختی به زبان
۵۳	۳-۳-۳. قواعد حاکم بر مطالعات زبان‌شناسی شناختی
۵۴	۴-۳. معناشناسی شناختی
۵۵	۱-۴-۳. اصل اول: شناخت تجسیدی
۵۵	۲-۴-۳. اصل دوم: ساختار معنایی بازتاب ساختار مفهومی است
۵۶	۳-۴-۳. اصل سوم: بازنمایی معنا دایره‌المعارفی است
۵۶	۴-۴-۳. اصل چهارم: تعبیر معنا مفهوم‌سازی است
۵۶	۵-۳. بازنمایی ذهنی
۵۹	۶-۳. فضاهای ذهنی
۶۱	۱-۶-۳. ساختار شناختی
۶۲	۲-۶-۳. ایجاد فضاهای ذهنی از طریق متن
۶۴	۱-۲-۶-۳. فضا سازی
۶۵	۲-۲-۶-۳. عناصر فضاهای ذهنی
۶۵	۳-۲-۶-۳. خصوصیات و روابط
۶۸	۴-۲-۶-۳. شبکه‌های فضای ذهنی
۶۸	۵-۲-۶-۳. عناصر نظیر و عناصر پیوندی
۷۰	۶-۲-۶-۳. سازماندهی گفتار: فضاهای زاویه‌دید، پایه و کانون
۷۲	۳-۶-۳. ارجاع در فضاهای ذهنی
۷۳	۱-۳-۶-۳. اصل دسترسی
۷۵	۲-۳-۶-۳. آزادی عناصر ارجاعی

فصل چهارم: کاربرد مدل فضاهای ذهنی در بازنمایی ارجاع

۷۸	۱-۴. مقدمه
۷۹	۲-۴. شیوه‌ی پردازش و تحلیل داده‌ها
۸۰	۳-۴. بررسی نمونه‌ای از عناصر ارجاعی در داستان گرداب
۸۲	۴-۴. تحلیل شناختی داستان روح چاه

فصل پنجم: بحث، تفسیر و نتیجه

۹۱

۱-۵. خلاصه پژوهش و بحث و بررسی یافته‌ها

۹۳

۲-۵. ارزیابی فرضیه‌ها

۹۴

۳-۵. نظریه نهایی

۹۴

۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

۹۴

۵-۵. پیشنهادات

۹۷

پیوست

۹۹

کتابنامه

۱۰۱

واژه‌نامه

فهرست تصاویر

۵۲	تصویر ۳-۱. مفهوم‌سازی
۶۲	تصویر ۳-۲. سطح شناختی در مقایسه با شرایط صدق
۶۳	تصویر ۳-۳. گسترش فضاها
۶۶	تصویر ۳-۴. فضای «در آن نمایشنامه او تلو حسود است»
۶۷	تصویر ۳-۵. فضای «در عکس یک جادوگر بر اسب تک‌شاخی می‌تازد»
۶۷	تصویر ۳-۶. القای طرح‌واره
۶۸	تصویر ۳-۷. شبکه‌ی فضاها‌ی ذهنی
۶۹	تصویر ۳-۸. پیوندِ عناصر نظیر
۷۱	تصویر ۳-۹. سازماندهی فضاها
۷۴	تصویر ۳-۱۰. دسترسی عناصر

فصل اول

مقدمه و طرح مسئله

۱-۱ مسئله پژوهش

در یک متن و در مرحله‌ی شکل‌گیری، از سوی مؤلف اسامی یا رخدادهایی ذکر می‌شود که در ادامه جهت اشاره به این امور لازم است عناصری اختصاری مورد استفاده قرار گیرند یا اینکه همان اسامی یا رخدادها دوباره تکرار شوند. این عناصر را عبارات ارجاعی، اسامی یا رخدادهای پیشین را مرجع و این عمل را ارجاع می‌گویند. آنچه موضوع بررسی این پژوهش است به مرحله‌ی خوانش این عناصر از سوی خواننده‌ی متن باز می‌گردد. سؤال اینجاست که در عمل خوانش، تطبیق صحیح بین عبارات ارجاعی و مرجع آن عبارات چگونه رخ می‌دهد. به روند یافتن مرجع عبارت ارجاعی از سوی خواننده‌ی متن، پردازش ارجاع می‌گویند.

ارجاع و روابط مختلف ارجاعی در فهم ساختار معنای متنی و پردازش متن بسیار حائز اهمیت است. ارجاع پسرو عنصر معمول انسجام و پیوستگی متنی و در عین حال عامل تغییرپذیری معنایی است. از آنجا که در اغلب موارد عناصر ارجاعی فاقد معنایی واژگانی‌اند که مرجع را مشخص نمایند، ارجاع پدیده‌ای است نیازمند تفسیر. یکی از مسائلی که در این پژوهش مورد تأکید قرار می‌گیرد آن است که برای فهم ارجاع علاوه بر دانش دستوری لازم است دانش ادراکی نیز فعال گردد. حوزه‌های

فصل اول: مقدمه و طرح مسئله

متفاوت پژوهش‌های زبانی ارجاع را مورد بررسی قرار می‌دهند. از جمله رویکردهای زبان‌شناسی شناختی^۱، زبان‌شناسی متن و تحلیل گفتمان، رویکردهای نحوی، معنایی، زبان‌شناسی محاسباتی^۲ و عصب‌شناسی زبان.

در رویکردهای نحوی و صورت‌گرا نقش خواننده‌ی متن کم‌رنگ و توصیف زبان به تبیین روابط صوری بین عناصر کلامی محدود است. در بخش‌های بعد بطور خاص مشکلاتی که متوجه این‌گونه تبیین است برجسته و نشان داده خواهد شد چارچوبی شناختی که این روابط را علاوه بر متن، در ذهن خواننده نیز دنبال می‌کند با این مشکلات مواجه نخواهد شد.

بنابراین سؤال اصلی آن است که عمل پردازش و تفسیر ارجاع در متن چگونه رخ می‌دهد و کدام چارچوب نظری بهترین تبیین را برای این سازوکار در اختیار می‌نهد. فرض بر این است که در رویکردهایی که بررسی زبان به قالب صوری آن محدود می‌باشد مشکلاتی رخ خواهد داد و دیدگاه شناختی به متن با این چالش‌ها مواجه نیست.

طبق دیدگاه شناختی در قسمتهای یک متن لازم است خواننده بافت مرتبط با اطلاعات منتقل شده بوسیله‌ی تک تک جملات را به لحاظ شناختی ایجاد نماید پس اگرچه هر جمله تنها به بخشی از بافت ارجاع دارد، ذهن بجای تفسیر جملات بطور منفرد یک گشتالت^۳ بافتی ایجاد می‌کند. این امر در باب فهم ما از اینکه چگونه خوانش صورت می‌گیرد اشاراتی در بر دارد چراکه به نظر می‌رسد گونه‌های مختلف متن شکل‌های متفاوتی از تلفیق شناختی را نیاز خواهند داشت.

با توجه به الگوی مطرح شده می‌توان به این نتیجه رسید که خواننده در یک متن و بخصوص متن روایت داستانی به هنگام مواجهه با عبارتی ارجاعی، به هیچ وجه جهت تفسیر و تعبیر معنای آن (یا در اصطلاح سنتی: برای مرجع‌گزینی) به دنبال مرجع آن در متن به جستجو نمی‌پردازد بلکه در هنگام خوانش عنصر ارتباط ارجاعی، تمامی اطلاعات لازم بصورت طرحواره‌ای در ذهن خواننده مجسم می‌گردد که در نتیجه، این فضای ذهنی است که خوانش عناصر ارجاعی را ممکن می‌سازد. با توجه به

¹ Cognitive linguistics

² Computational linguistics

³ Gestalt

این دیدگاه، مرزبندی بین عبارت ارجاعی پیشرو^۱ و پسرو^۲ بی معنی خواهد بود و در خصوص متن روایت داستانی، عبارات اشاره‌ای^۳ نیز هویتی جدا نخواهد داشت چراکه این عناصر در این گونه‌ی گفتمانی، به دنیای ذهنی موجود در نزد مخاطب ارجاع دارند و نه دنیای خارج، پس همچون دیگر عناصر ارجاعی در نظر خواننده تفسیر می‌شوند. بعلاوه از ویژگیهای دیگر بکارگیری مدل‌های ذهنی و طرحواره‌ها در تفسیر عناصر ارجاعی آن است که می‌توان برای توصیف ساز و کار عناصر مختلف ارجاعی در متن تبیین واحدی را ارائه داد که در اینصورت مرز صریح بین ارجاع مستقیم و غیرمستقیم و همچنین گونه‌های ارجاع ضمیری و اسم مشخص معرفه از بین رفته بنا بر میزان دخالت مدل‌های ذهنی در تفسیر می‌توان آنها را بر روی یک پیوستار مشاهده نمود.

۱-۲ موضوع پژوهش: نقش ضمیر در خوانش متن

در باب ارجاع متنی بطور سنتی دو دیدگاه مطرح بوده است. یکی نظر براون و یول^۴ (۱۹۸۳) که در آن بازنمایی‌های ذهنی ساده مورد لحاظ قرار گرفته‌اند و دیگری در اثر مشترک هالییدی و حسن^۵ (۱۹۷۶) که در آن از این بازنمایی‌های ذهنی یا بطور کلی از موضوعات شناختی سخن به میان نیاورده‌اند و بازنمایی ضمیر^۶ را با جستجو به دنبال یک عنصر مذکور در جمله، یا به عبارت دیگر چیزی که بخشی از متن است همراه می‌دانند. از دیدگاه نظر دوم که بصورت صوری به تفسیر ارجاع نظر می‌نماید، زمانیکه مرجع مشخص شد این وظیفه پایان می‌یابد و مراحل دیگری در این نظریه مطرح نیست. از سوی دیگر از نظر براون و یول (۱۹۸۳، ۲۰۲)، ضمیر نه به مرجع خود بلکه به بازنمایی‌های ذهنی رجوع می‌کند. آنها این مورد را با مثال زیر بیان می‌دارند:

«یک مرغ چاق و سرحال را بکشید، آنرا برای اجاق آماده کنید، به چهار قسمت تقسیمش کنید بعد آن را به مدت یک ساعت با آویشن بجوشانید.»

¹ Cataphora

² Anaphora

³ Deixis

⁴ Brown and Yule

⁵ Halliday and Hasan

⁶ Pronoun resolution

فصل اول: مقدمه و طرح مسئله

به بیان آنها خواننده در تفسیر ضمیر «آن» باید یک بازنمایی ذهنی از مرغ ذبح شده فراهم آورد که این امر از ترکیب فعل «کشتن» و عبارت «مرغ چاق و سرحال» در ذهن فراهم می‌آید. همچنین اموت^۱ (۱۹۹۷، ۹) معتقد است ارجاعی که در متن روایی و در مورد یک شخصیت درون داستان صورت می‌گیرد، چه با استفاده از ضمیر باشد یا اسم، لازم است خواننده به بازنمایی ذهنی دسترسی داشته باشد. اسم‌ها هم اینگونه‌اند چراکه خودشان مرجع نیستند بلکه کلماتی‌اند که بر مرجع دلالت می‌کنند و بنابراین همچون ضمائر به تفسیر نیاز دارند. طبق این مدل باید انتظار داشت که برای مثال یک اسم ذات همچون «دش آکل» به آن بازنمایی ذهنی ارجاع نماید که از تمامی دفعات ذکر نام «دش آکل» در متن پیشین همراه با اطلاعات همراه متن و با استنباط^۲ شکل می‌گیرد. این امر زمانی معنادار خواهد بود که بپذیریم در متن، ارجاع به بازنمایی یک کاراکتر که می‌توان با آن هم‌زادپنداری نمود باز می‌گردد و نه فقط به کلمه یا کلماتی در متن.

حتی با پذیرش این دیدگاه، مرجع همچنان نقش مهمی در تفسیر ایفا می‌کند لیکن الزاماً به تنهایی عمل نمی‌کند. بعلاوه گاهی یک ضمیر می‌تواند بدون حتی مرجعی مذکور مورد تفسیر قرار گیرد چنانچه در مثال زیر در جملات اول تا سوم از ابتدای یک داستان با طرحواره‌ای که بواسطه‌ی ذکر کلمات «گندم و جو» در ذهن ایجاد می‌شود می‌توان مرجع ضمائر متصل را «دهقانان» یا «کشاورزان» تفسیر نمود که این کلمه بطور صریح پس از چند جمله ذکر می‌شود:

گندم و جو را کاشتند اول بیکاریشان بود. تمام سینه‌کش آفتاب می‌نشستند و از اینجا و آنجا حرف می‌زدند. از گذشته و آینده... کبریت بازی می‌کردند. زمستان برای دهقانان فصل آرامش، رسیدن به خانواده و شهر رفتن‌های بیخود بود. (فقیری ۱۳۸۳)

گاهی آنگونه که در نظریه‌ی ادبی بیان می‌شود، ممکن است دستیابی دقیق به آنچه یک متن از خواننده مطالبه می‌نماید امکان‌پذیر نباشد. در این بررسی به مسائل بحث‌انگیز و بی‌پایانی چون «تفسیر متن ادبی» نمی‌پردازیم لیکن عناصری زبانی در متن را مورد توجه قرار می‌دهیم که کارکردی خاص

^۱ Emmot

^۲ Inference

دارند: مطالبه‌ی دروندادی مشخص از خواننده. این عناصر عبارتهای ارجاعی‌اند. یک متن ممکن است به شیوه‌های مختلفی تفسیر گردد، لیکن عناصر ارجاعی و بخصوص ضمائر از خواننده می‌خواهد یک مرجع را معین نماید. ضمائر برای محققان شناختی جالب‌اند چراکه نویسنده در موضعی که فرض می‌کند خواننده دانش لازم برای تعیین مرجع مُقدّر را در اختیار دارد، این صورت‌های اختصاری را بکار می‌گیرد.

۱-۳ قلمروی پژوهش

در این پژوهش نمونه‌های متداول روایات داستانی در زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا عناصر ارجاعی در این نمونه‌ها بر طبق مدل غیر گزاره‌ای یا شناختی و بطور خاص با استفاده از مدل فضاهای ذهنی فوکونیه تحلیل شود. این مدل در فصل سوم به تفصیل مورد بررسی و معرفی قرار خواهد گرفت. بنابراین قلمروی این پژوهش به لحاظ زمانی در زبان فارسی معاصر، از نظر مکانی در کشور ایران و از نظر موضوعی در حیطه‌ی زبان‌شناسی شناختی قرار می‌گیرد.

۱-۴ اهمیت و ضرورت

مطالعه‌ی عبارتهای ارجاعی زبان باعث فهم وظایف خواننده می‌گردد: هم از جهت بررسی دانش عمومی او و هم بخاطر بازیابی داده‌های کلیدی حاضر در متن برای اهداف رمزگشایی. این امر علت محوریت این عناصر زبانی در مطالعات هوش مصنوعی و روان‌شناسی را مشخص می‌نماید (از جمله وبر^۱ ۱۹۷۹).

اموت (۱۹۹۹) به نقل از چارنیاک^۲ (۱۹۷۲، ۵۶) بیان می‌دارد: «به نظر می‌رسد اغلب روندهایی که از آنها به «فهم» تعبیر می‌کنیم برای تعبیر ارجاع ضروری هستند. بنابراین ارجاع را می‌توان بعنوان پارادایم فهم در نظر گرفت». همچنین روان‌شناسان نیز بر اهمیت فهم نظریه‌ی ارجاع تأکید دارند. اموت همانجا به نقل از سنفورد و گاروت^۳ (۱۹۸۱، ۸۹) می‌افزاید:

¹ Webber

² Charniak

³ Sanford and Garrod

فصل اول: مقدمه و طرح مسئله

«بازیابی ارجاع در تمامی صورت‌های آن سنگ بنای درکی موفق است که این درک وظیفه‌ی خواننده در ایجاد مدل ذهنی مناسب را برای آنچه پیشتر بیان شده گوشزد می‌کند. اگر دریابیم ارجاع چگونه تحلیل می‌شود، فهم دیگر بخش‌های روند درک عمومی بطور خودکار در پی خواهد آمد».

به نظر وی توجه به اهمیت این بحث از دید زبان‌شناسان نیز دور نمانده به گونه‌ای که به نظر چیف^۱ (۱۹۸۰ ب، ۱۸) زنجیره‌های ارجاعی در روایت در حکم پیکره‌ی اصلی قلمداد می‌شوند. برای تفسیر مرجع ضمایر ممکن است حتی داده‌هایی از نقاطی بسیار پیش‌تر در یک متن مورد نیاز باشند که نشان می‌دهد بخش‌های سابق می‌بایست بطور ذهنی بازنمایی شوند تا این عبارات اختصاری درک گردند. اطلاعاتی که در این موارد مورد نیاز است نشان می‌دهد که خواننده برای بنای «انسجام متنی» باید از ذخیره‌ی دانش درباره‌ی شخصیت‌ها و بافت بهره گیرد.

برخی آثار پیشین در مرجع پسروی غیر مستقیم، استفاده از دانش عمومی را مورد بحث قرار داده‌اند. محققانی که در زمینه‌ی ارجاع پسرو تداعی کننده^۲ فعالیت دارند نشان داده‌اند خواننده از دانش عمومی خود استفاده می‌کند تا با استفاده از ذکر عاملی بلافاصله پیش از یک ارجاع پسرو و از لحاظ معنایی یا کاربردشناختی مرتبط با آن، ارتباطی غیر مستقیم ایجاد نماید. بعنوان مثال هاوکینز^۳ (۱۹۷۸، ۱۲۳) موردی را ذکر می‌کند که در متن واژه‌ی «اتومبیل» ذکر شده و بعد از آن واژه‌ی «فرمان» بصورت معرفی می‌تواند ذکر شود چراکه دانش عمومی ما این انتظار را بوجود می‌آورد که اتومبیل فرمان دارد. مثالی دیگر را از اموت (۱۹۹۷) ذکر می‌کنیم. در عبارت زیر مرجع ضمیر *it* بصورت صریح در متن ذکر نشده و نمی‌تواند «*the operation*» باشد بلکه خواننده با استفاده از دانشی که بواسطه‌ی صفت *Benign* (=خوش‌خیم) در ذهنش فعال می‌گردد، می‌تواند «غده» را بعنوان مرجع آن بازشناسد.

She didn't want to talk about the operation but she couldn't think about anything else. Maybe it would turn out to be benign; on other hand, maybe they would open her up and find that she was permeated, riddled, rotting away from the inside.

¹ Chafe

² Associative anaphora

³ Hawkins

همچنین در مورد ضمیر They، با استفاده از عبارت «would open her up» تنها می‌توان عبارت «تیم جراحان» را بعنوان مرجع آن تشخیص داد، درحالی‌که هیچ‌یک از این دو عبارت اسمی به صراحت در متن ذکر نشده است.

۱-۵ اهداف پژوهش

هدف از این تحقیق یافتن بهترین چارچوب برای تبیین پردازش ارجاع در متون و بطور کلی تأییدی است بر اصول معناشناسی شناختی در خوانش متن. به این منظور بطور خاص دو رویکرد تلقی گزاره‌ای یا صوری و رویکرد شناختی مورد توجه قرار می‌گیرند.

بنابراین در پی آن هستیم با توجه به مفاهیمی که زبان‌شناسی شناختی و بطور خاص مدل فضاهای ذهنی فوکونیه در اختیار قرار می‌دهد تبیینی از پدیده‌ی ارجاع در زبان فارسی به دست دهیم. از این طریق دو مقصود اصلی حاصل می‌شود.

اول اینکه مفاهیم به نسبت جدید در حیطه‌ی زبان‌شناسی شناختی مورد آزمون و محک قرار می‌گیرند. یکی از موارد قوت و استحکام یک نظریه امکان ارائه‌ی تبیینی واحد برای پدیده‌های متفاوت است. در فصل پنجم با کاربرد مدل فضاهای ذهنی امکان ارائه‌ی تبیین واحد برای انواع مختلف ارجاع بررسی می‌شود و بنابراین در صورت موفقیت، استحکام این نظریه را می‌توان سنجید.

هدف دوم این است که یکی از اصول بنیادی دیدگاه شناختی به اثبات برسد و آن اینکه عوامل صوری زبان تنها نقش فعال‌کننده دارند و عمل اصلی زبانی در ذهن صورت می‌گیرد بنابراین بجای بررسی روابط بین عناصر متن باید به مفهوم‌سازی‌هایی که در ذهن صورت می‌گیرد توجه نمود. این مسئله که بعنوان یکی از اصول زبان‌شناسی شناختی مطرح است تأکید وضع شده بر روی صورت زبانی از سوی دیدگاه گزاره‌ای را کم‌رنگ ساخته صورت زبانی را تنها انگیزاننده یا آغازگری برای شکل‌گیری قالب‌ها و فضاهای ذهنی می‌داند. بنابراین با ارائه‌ی تحلیل عبارت‌های ارجاعی طبق این مدل شناختی هدف کلی‌تر لزوم توجه به تحلیل‌ها و نظریه‌های شناختی در پژوهش‌های زبانی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱-۶ کاربردهای پژوهش

مفاهیم زبان‌شناسی شناختی افق جدیدی را پیش روی تبیین پدیده‌های زبانی قرار می‌دهند که با استفاده از آن می‌توان کاستی‌های نظریه‌ها و مدل‌های گزاره‌ای را برطرف نمود. آنچه در زیر بعنوان کاربرد پژوهش حاضر مطرح می‌شود مواردی هستند که در تحقیقات مختلف نتیجه‌بخشی آنها با استفاده از نگرش گزاره‌ای به زبان مورد سؤال قرار گرفته است. بنابراین از جمله کاربردهای این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱-۶-۱ کاربرد در مطالعات سبک‌شناسی برای تعیین سبک‌های مختلف متن

با توجه به اینکه در متون مختلف با حفظ اصول کلی، روش‌های متفاوتی در تعبیر و بازنمایی عناصر ارجاعی اعمال می‌شود و متون به شیوه‌های متفاوتی تفسیر می‌شوند، انتظار می‌رود بتوانیم نحوه‌ی پردازش این عناصر را برای تمایز بین سبک‌های مختلف متنی به کار گیریم.

بعنوان مثال در متون روایی با توجه به ویژگی‌هایی که این آثار بر مبنای آن شکل گرفته‌اند، انتظار می‌رود مفاهیمی همچون فضای ذهنی، بازنمایی مفهومی و دنیای متن که همگی وجود سطحی بالاتر از عناصر متنی را گوشزد می‌کنند، بیشترین مصداق را داشته باشند. بطور مختصر باید گفت در روند شکل‌گیری روایت و با اضافه شدن رویدادهای مختلف، به تدریج شبکه‌ای از فضاهاى ذهنی شکل می‌گیرد که تعبیر و بازنمایی عناصر ارجاعی با توجه به آن صورت گرفته، مرجعی بیرون از این فضا را نمی‌توان جستجو نمود. روشن است که در متون غیر روایی نیز چنین فضاهاى شکل می‌گیرند اما عوامل بافتی دیگری نیز در پردازش ذهنی اطلاعات موجود در متن و همچنین تفسیر عناصر ارجاعی نقش دارند که این امر باعث ترسیم تمایز سبکی بین این دو دسته از آثار می‌شود.

در نتیجه اگرچه همانطور که در جایی دیگر نشان داده شده (طالب ۱۳۸۶) نمی‌توان به لحاظ صوری مرز مشخص و قاطعی بین سبک‌های مختلف متنی ترسیم نمود اما باید تمامی متون را بر روی پیوستاری مشاهده نمود که به هر حال مدل فضا سازی ذهنی با کیفیت‌های مختلف در آنها قابل تطبیق است.

۱-۶-۲ کاربرد در تحقیقات پردازش متن با کمک رایانه

از جمله کاربردهای مهم این پژوهش آن است که در صورت ارائه‌ی مدلی محاسباتی بر مبنای آن می‌توان پیکره‌ی زبانی را مورد پردازش شناختی-محاسباتی قرار داد. یک نمونه از این مطالعات که در زبان انگلیسی و روسی صورت گرفته در فصل بعد معرفی و نقایص آن در فصل چهارم بحث می‌شود. با توجه به اینکه در تمامی پژوهش‌های مرتبط با پردازش متن با کمک رایانه، یافتن دقیق مرجع عبارتهای ارجاعی بعنوان مسئله‌ای کلیدی و مهم مطرح و کتابهای مستقلی در مورد پردازش عبارات ارجاعی در زبان‌شناسی محاسباتی تألیف شده است، بدیهی است که صوری‌سازی و طراحی مدلی محاسباتی از نظریه‌ی فضاهای ذهنی می‌تواند در حل این مشکل بسیار راهگشا باشد.

۱-۶-۳ امکان عینیت بخشیدن به مطالعات شناختی

همانطور که در بخش اهداف پژوهش ذکر شد این بررسی را می‌توان بعنوان شاهدهی بر قدرت تبیین نظریه‌های شناختی و اثبات عملیاتی بودن آنها مورد استفاده قرار داد. این پژوهش زمینه‌ای را بخصوص در زبان فارسی در اختیار قرار می‌دهد که با استفاده از آن بتوانیم پدیده‌های دیگر را نیز تبیین نماییم. بعنوان نمونه همانطور که در فصل چهارم خواهد آمد وجه مشترک پدیده‌های معمولی زبانی همچون استعاره‌های مفهومی، مجازهای مفهومی، ارجاع و بسیاری مفاهیم دیگر، نگاشت^۱ یا بازنمایی بین دو فضای ذهنی است. پس مدل فضاهای ذهنی یک چارچوب عام برآمده از مطالعات روش‌مند روانشناسی شناختی برای روندهای شناختی ذهن انسان است که این امر امکان کاربردهای گسترده‌تر را فراهم می‌آورد.

۱-۶-۴ مطالعات شناختی ساز و کار ذهن در روند خوانش متن

مدل فضاهای ذهنی و مطالعات ادبیات‌شناسی شناختی^۲ دو رویکرد در زبان‌شناسی شناختی‌اند که عهده‌دار بررسی واحدهای بزرگتر از کلمه و جمله هستند. این مدلها بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در حوزه علوم شناختی بخصوص روان‌شناسی شناختی شکل گرفته‌اند. از آنجا که در حوزه‌ی

^۱ Mapping

^۲ Cognitive poetics

فصل اول: مقدمه و طرح مسئله

روان‌شناسی شناختی حوزه‌های غیر زبانی هم مورد توجه قرار می‌گیرند این مدل بطور خاص در پژوهش‌های زبانی تحلیل گفتمان، چارچوب مناسبی را در اختیار قرار می‌دهد. بنابراین اولاً می‌توان از این گونه مطالعات بعنوان آزمون نظریه‌های کلی‌تر شناختی بهره گرفت و دو دیگر اینکه با دخالت دادن ساز و کار و روندهای مفهوم‌سازی در مطالعات تحلیل گفتمان رویکردی را با عنوان تحلیل شناختی گفتمان بعنوان مدلی روش‌مند در بررسی‌های گفتمانی می‌توان مورد توجه قرار داد.

۱-۷ نوع و روش پژوهش

در این بررسی نمونه‌هایی ساده از نثر روایی بکار گرفته می‌شود تا به روش نظریه‌بنیاد امکان ارائه‌ی تحلیلی مطابق با نظریه‌ی فضاهای ذهنی در روایت داستانی فارسی مورد توجه قرار گیرد. نظریه‌ی فضاهای ذهنی بر نمونه‌هایی از متن زبان فارسی تطبیق می‌شود و بنابراین یک بررسی توصیفی-تحلیلی است.

نثر روایی یکی از اساسی‌ترین انواع گفتمان است و از سویی دیگر نثر نوشتاری نیز شیوه‌ای است کنترل‌شده در تولید گفتار، به این معنا که گفتار پیشین تنها منبع برای ارجاع است. علت انتخاب نمونه‌های خاص روایی در بخش تحلیل داده‌ها علاوه بر نکاتی که ذکر شد آن است که این نمونه‌ها با زبانی شفاف و ساده با گزینش‌های واژگانی مناسب و در عین حال با شیوه‌ای خنثی و غیر نامأنوس تألیف شده‌اند. بعلاوه این داستانها نمونه‌ی اعلا‌ی روایت هستند چراکه رویدادهایی اساسی و عمده در آنها بیان می‌شوند یعنی رخداد‌های فیزیکی، تعامل‌ها، عکس‌العمل‌ها، احساسات و سخنان؛ افراد را توصیف می‌کنند. این متون به شیوه‌ی سوم شخص نوشته شده و بنابراین با ارجاع زیاد به راوی مواجه نیستیم.

طبق مدل فضاهای ذهنی که در فصل سوم شرح آن خواهد آمد یک جمله که در مرحله‌ای از ایجاد گفتار ظاهر می‌شود حاوی چندین عنصر اطلاعاتی است که با چندین ابزار دستوری مشخص می‌شود و این عناصر نحوه‌ی تبیین شکل‌گیری یک شبکه از فضاهای ذهنی را ممکن می‌سازد. این شبکه‌ی فضاهای ذهنی با توصیفی که در مورد ساز و کار شکل‌گیری و دسترسی به فضاهای مختلف

ذهنی ذکر خواهد شد، ساختار شناختی را شکل می‌دهد. در فصل چهارم با بررسی شکل‌گیری فضاهای ذهنی، نحوه‌ی دسترسی به عناصر و عبارت‌های اسمی که در مراحل مختلف وارد فضاهای ذهنی می‌شوند به تبیین نحوه‌ی پردازش عناصر ارجاعی خواهیم پرداخت. بنابراین در مورد یک متن و در هر مرحله از شکل‌گیری فضاهای ذهنی، هر یک از موارد زیر برای تحلیل نحوه‌ی پردازش عبارت‌های ارجاعی بررسی می‌شود:

- فضاها: عبارت‌هایی دستوری که یا یک فضای جدید ایجاد می‌کنند یا اینکه کانون را به یک فضای موجود تغییر می‌دهند.
- بررسی اینکه کدام فضای ذهنی اکنون در کانون توجه قرار دارد، ارتباط آن با پایه چیست و اینکه چگونه دسترس‌پذیر است.
- توصیفات یا عبارت‌های ارجاعی یا اسم‌هایی که به عناصر موجود اشاره دارند یا اینکه عنصر جدیدی اضافه می‌کنند.
- داده‌های واژگانی که عناصر فضاهای ذهنی را به قالب‌ها و مدل‌های شناختی دانش پس‌زمینه متصل می‌کنند که با استفاده از طرح‌واره‌های پس‌زمینه‌ی از پیش موجود، فضاهای ذهنی را از درون شکل می‌دهند.

پس از این تحلیل شناختی با توجه به مدل مذکور، درباب ماهیت بازنمایی‌ها این مسئله مورد توجه قرار خواهد گرفت که مدل‌های گزاره‌ای^۲ بجای اخذ معنی از دانش خواننده از موقعیت، هر گزاره را بطور منفرد تفسیر می‌نمایند و بنابراین دارای نقص هستند اما از سویی دیگر مدل‌های ذهنی^۳ که نقشه‌ای تصویر گونه در حافظه ایجاد می‌نمایند داده‌هایی درباره‌ی موقعیت در اختیار قرار می‌دهند.

۸-۱ سؤالات پژوهش

همانطور که در بخش مسئله مطرح گردید، چگونگی بازیابی و تفسیر عناصر ارجاعی در متن بعنوان مسئله‌ی اصلی این پژوهش در محور بررسی این پژوهش قرار دارد که بر مبنای آن بررسی

^۱ Space builders

^۲ Propositional models of representation

^۳ Mental models of representation

فصل اول: مقدمه و طرح مسئله

چارچوب‌ها و مدل‌های نظری مختلف و یافتن مدلی دارای جامعیت بیشتر و نقایص کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین بطور کلی در این بررسی دو مسئله‌ی کلی مطرح است:

الف- خواننده‌ی یک متن طبق چه فرایندی بطور صحیح به مرجع یک عبارت ارجاعی پی می‌برد (چگونه عبارت ارجاعی را پردازش می‌کند)؟

ب- کدام چارچوب نظری این فرایند پردازش ارجاعی را با کمترین اشکال توصیف می‌نماید؟

۹-۱ فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مفاهیم مطرح در رویکردی شناختی که در این پژوهش از آن استفاده شده است، دو فرضیه مطرح شده، درستی آنها با تطبیق مدل مذکور بر داده‌های زبان فارسی مورد آزمون قرار خواهد گرفت. این دو فرضیه عبارتند از:

الف- خواننده در عمل خوانش متن به تدریج و با استفاده از حافظه‌ی خود شبکه‌ای از فضاها‌ی ذهنی ایجاد می‌کند که تبیین پردازش ارجاع را باید با شناخت ساز و کار این شبکه‌ی ذهنی انجام داد.

ب- با توجه به اینکه رویکرد شناختی علاوه بر ساختار متن، به فعالیت ذهنی درگیر در فهم متن نیز توجه می‌کند، با کاربرد آن پدیده‌ی پردازش ارجاع با کمترین اشکال تبیین خواهد شد.

۱۰-۱ جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری پژوهش

از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی و با توجه به مسائل تازه‌ای که در زمینه‌ی درک متن مطرح شده است این پژوهش می‌تواند دستاوردهای نوینی در این حوزه داشته باشد.

با توجه به اینکه رویکردهای شناختی به زبان در تاریخ زبان‌شناسی به مطالعات اخیر و پیشرفتهای صورت گرفته در علوم شناختی و بطور خاص روان‌شناسی شناختی باز می‌گردد می‌توان گفت این پژوهش بطور کلی روشی جدید در بررسی پدیده‌ی زبانی است. بعلاوه نظریه فضاها‌ی ذهنی فوکونیه که یکی از مدل‌های مطرح در حوزه‌ی زبان‌شناسی شناختی بوده مبنای این پژوهش قرار گرفته است، تنها در دهه‌ی گذشته مطرح شده است.

با توجه به این موارد در زبان فارسی پژوهشی مشابه صورت نگرفته است و معرفی آن می‌تواند به لحاظ نظری در تبیین پدیده‌های زبانی سودمند باشد. از سوی دیگر همانطور که در فصل سوم مطرح خواهد شد نظریه‌ی فضاهای ذهنی در اصل برای پاسخ‌گویی به مسائل مطرح در حوزه‌ی منطق و فلسفه‌ی زبان بخصوص در زمینه‌ی ارجاع مطرح گردید و در منابع اصلی معرفی‌کننده‌ی این نظریه، آن دسته از نمونه‌ها برای تحلیل انتخاب شده‌اند که بتوانند پاسخگوی این نیاز خاص باشند. بنابراین این مدل بطور مستقیم جهت تبیین پدیده‌ی ارجاع مطرح در مباحث زبان‌شناسی حتی در زبان انگلیسی مورد استفاده قرار نگرفته است. پس با توجه به این مسئله و اینکه بحث ارجاع در فلسفه و زبان‌شناسی در معانی متفاوتی بکار می‌روند، جنبه‌ی دیگری از نوآوری در تحقیق حاضر روشن می‌شود.

۱-۱۱ تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

در این بخش برخی از مهمترین مفاهیم رویکرد مورد توجه در این پژوهش تعریف خواهند شد. این مفاهیم در فصل سوم در قالب نمونه‌هایی از زبان فارسی توضیح داده خواهند شد و در اینجا تنها به تعریف مختصر آنها خواهیم پرداخت. از جمله این مفاهیم کلیدی عبارتند از زبان‌شناسی شناختی، فضاهای ذهنی، عنصر، فضاها، فرافکنی مفهومی، عناصر پیوندی، عناصر نظیر، اصل دسترسی، اصل بهینه‌سازی، نگاشت‌ها، حوزه، خصوصیت، رابطه، القای طرح‌واره، مفهوم، ساختار مفهومی، طرح‌واره‌ی تصویری، نظام مفهومی، مفهوم‌سازی، سطح شناختی، توانایی مفهوم‌سازی و معناشناسی شناختی.

زبان‌شناسی شناختی. زبان‌شناسی شناختی یک مکتب جدید در حوزه‌ی زبان‌شناسی است که در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ پدید آمد. این مکتب همچنین بطور جدی در پیدایش علوم شناختی جدید در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بویژه در فعالیت‌های مرتبط با مقوله‌سازی^۱ ذهن انسان و سنت‌های متقدم‌تر همچون روان‌شناسی گشتالت ریشه دارد. زبان‌شناسی شناختی عمدتاً به بررسی ارتباط بین زبان، ذهن و تجربه‌ی اجتماعی-جسمانی می‌پردازد.

^۱ Categorization